

S

saccade **جهش چشم**
حرکت جهشی چشم که در هر ثانیه سه بار در بین نوبتهای تثبیت (نک: fixation) رخ می‌دهد.

salient stimuli **محرکهای بارز**
جنبه‌های بارز از اشیا و محیط که بعید است مورد غفلت فرد قرار گیرد.

Sapir-Whorf hypothesis **فرضیه سایپر- ورف**
این فرضیه می‌گوید که گروهها و طبقات در زبان مادری يك متکلم، تعیین کننده گروهها و طبقات شناختی او در تفکر، ادراک و حافظه‌اش است. به‌عنوان مثال، تفاوت مقولات و گروههای ذهنی يك اسکیمو با فردی که در صحرائی گرم زندگی می‌کند اینست که اولی بیست واژه برای انواع برف و دومی همین حدود واژه برای شتر دارد. (نیز نک: Whorfian hypothesis)

satisficing **ارضاء محدود، کمترین رضامندی**
این اصطلاح در علم شناخت عبارت است از رضامندی و قانع شدن نسبت به راه‌حلهایی که بهینه نیستند، ولی قابل قبولند. نیاز به یافتن روشهای اقماعی در شرایطی که پاسخ دقیق به سؤالات از لحاظ نظری در دسترس نیست یا قابل رایانه‌ای شدن نیست جلوه گر می‌شود. به همین دلیل سایمون چنین مفهومی را طرح نمود که بر مبنای آن سامانه می‌تواند قبل از رسیدن به پاسخ بهینه، در مسیر جستجوی خود هر چه زودتر راه حل قابل قبولی را تشخیص داده، اعلام یا استفاده کند.

scanning **پویش، اسکن کردن**
مرور سریع بر کلیه اجزا و قسمتهای يك محرک دیداری مثل يك صفحه از کتاب.

schema **طرحواره، طرح**
طرح سازمان یافته ذهنی، ساختار خاصی از مفاهیم، این مفهوم پیشتر توسط کانت، بارتلت و پیازه به نوعی مطرح شده بود. در دهه ۱۹۷۰ مجدداً مورد توجه خاص روان‌شناسی شناختی قرار گرفت. هر طرحواره يك ساختار یا قالب شناختی است که سازمان دهنده مجموعه‌ای از مفاهیم و معلومات ذهنی است. طرحواره‌ها چهارچوبهایی فراهم می‌کنند که فرد بتواند اشیا و رویدادهای ادراک‌شده را بر اساس ویژگیهای مشترکشان سازمان دهد و اطلاعات و تجارب جدید خود را به آنچه قبلاً کسب کرده مربوط سازد و در نتیجه بهتر بفهمد. طرحواره‌ها حضور و نقش خود را در فرایندهای مختلف شناختی از قبیل ادراک پدیده‌ها، فهم داستانها و حافظه نشان می‌دهد. برخی نظریه‌ها علاوه بر اعتقاد به وجود انواع طرحواره‌های ذهنی بر نقش آنها در فرایندهای شناختی مثل بازنشاسی الگو و حافظه تأکید می‌ورزند.

schemata **طرحواره**
(نک: schema)

schema **طرحواره، روان بنه**
اصطلاحی است که پیازه (Piaget) به جای schema و تقریباً با همان معنا به کار برده است با این تفاوت که در این جا طرحواره ساختار شناختی نسبتاً عینی‌تری است و تکوین آن با خودآگاهی همراه است. فرد به وسیله این طرحواره‌ها دانش عملیاتی خود را بازنمایی می‌کند. از نظر پیازه فرد با طرحواره‌هایی که به همراه خود دارد به تعامل و داد و ستد با محیط و عملیات شناختی روی آن می‌پردازد (نیز نک: accommodation و assimilation). مثلاً "نوزاد با طرحواره "مکیدن" با اشیا مختلف از جمله انگشتان خود برخورد می‌کند و روی آنها عملیات فیزیکی و شناختی انجام می‌دهد، همچنین تا مدتی با طرحواره "مادر" با افراد بزرگسال (مؤنث)

برخورد می‌کند.

schematic

طرحواره‌ای، طرحی
(نک: schema)

script

نسخه، نسخه عملیات

در معنای خاص به نسخه آماده‌ای گفته می‌شود که در ذهن برای یک عمل وجود دارد. به عبارت دیگر طرحواره‌ای است که محتوای آن رشته‌ای از رویدادها و فعالیت‌هایی است که به طور زمانی یا علی برای رسیدن به هدف خاصی معمولاً به دنبال هم تحقق می‌یابند. چنین طرحواره‌ای در مورد عملیاتی شکل می‌گیرد که فرد مدتها به طور مکرر انجام می‌داده است. مثل طرحواره عملیات "رفتن به مدرسه".

search

جستجو

در معنای خاص آن عبارت است از واری‌های مختلفی موجود برای حل یک مسئله در فضای جستجو (نک: search space) و یافتن مسیری کار آمد برای رسیدن از شرایط اولیه به مقصد نهایی.

search space

فضای جستجو

حیطه یا دامنه‌ای که در آن راه‌های ممکن برای گذر از حالت اولیه و مفروضات داده شده به سوی هدف یا حالت نهایی، مورد کاوش قرار می‌گیرد.

secondary memory

حافظه ثانویه

(نک: primary memory)

segmenting

تقطیع، بخش بخش کردن

selective attention

توجه انتخابی، توجه گزینشی

اختصاص توجه به بخشی از محرک‌های محیط و درون‌دادها، نه همه آنها. از درون‌دادهای بسیاری که در هر لحظه وارد دستگاه حواس و حافظه حسی فرد می‌شود فقط بخش اندکی از آنها مورد توجه انتخابی قرار گرفته پردازش شناختی بیشتری روی آنها صورت می‌گیرد، و بقیه سریعاً از دستگاه شناختی محو می‌شود.

self-awareness

آگاهی از خود، خود - آگاهی

آگاهی فرد از خود و ویژگی‌های خود.

self-consciousness

خود - هشیاری

آگاهی فرد از خود، ویژگی‌های خود و از این که دیگران هم از ویژگی‌های او آگاهی خاصی دارند که لزوماً با آگاهی خود فرد یکسان نیست و منتقدانه است.

self-concept

خود پنداره

تصور از خود، مفهوم از خود، تصویری که فرد از خود، از جمله از میزان ارزش خود، تواناییها و ناتوانیهای خود و اندام خود دارد. خود پنداره شخص ممکن است مثبت، منفی، حالتی بین این دو یا ترکیبی از جنبه‌های مثبت و منفی باشد. خود پنداره هر فرد به تدریج در ضمن تجارب زندگی شکل می‌گیرد و در افکار و تصمیمات فرد و رفتار فردی و اجتماعی او نقش اساسی دارد.

self-image

خود انگاره، تصور از خود

تصور فرد از هویت خود، جنبه‌های شخصیت خود و میزان ارزشمندی خود.

self-regulation

خود گردانی، خود تنظیمی

self-report

خود سنجش، خود گزارش، گزارش شخصی

طریقی برای پژوهش و سنجش که در آن از فرد خواسته می‌شود با توجه به دستور العمل‌هایی که به او داده می‌شود یا مواردی که در پرسشنامه خواسته شده، آنچه را که در درونش یا ذهنش روی داده است یا اکنون تجربه می‌کند گزارش کند.

semantic memory

حافظه معنایی

حافظه دراز مدتی که محتوای آن را مفاهیم، دانشها و معلوماتی تشکیل می‌دهند که ویژگی‌های حسی آنها تقلیل یافته و مورد پردازش عمیقتر و معنایی قرار گرفته‌اند. (نک: episodic memory)

semantic networks

شبکه‌های معنایی

الگویی برای تبیین چگونگی ساختمان معلومات و رابطه مفاهیم با یکدیگر در ذهن و حافظه انسان. بر اساس اینگونه الگوها مفاهیم در حافظه دراز مدت با هم نوعی پیوند همخوانی دارند، همچون نقاط و گره‌هایی (nodes) که توسط بندها و خطوطی باهم ارتباط متقابل یافته‌اند. شدت و ضعف این پیوندها (links) بر حسب مورد فرق می‌کند. دو مفهوم میز و صندلی که با هم شباهت و مجاورت بیشتری دارند، پیوندشان به گونه‌ای است که با فعال شدن یکی مثلاً با شنیدن اسم صندلی، احتمال سرایت فعالیت به میز (در حافظه) بیشتر است تا سرایت آن به مفهوم قلب (در حافظه). به همین دلیل است که با شنیدن کلمه میز مفهوم قلب به ذهن افراد نمی‌آید.

انتخابی بودن معنا
ویژگی فرضی بازنمایی‌های ذهنی در انسان که باعث می‌شود از میان اشیای متعددی که یک بازنمایی با آنها به نوعی مربوط است تنها یکی دو تا به ذهن بیایند.

معنا شناسی
semantics

شاخه‌ای از زبان‌شناسی که معنا و مدلول کلمات و ترکیبات کلمه‌ای را در رابطه با نمادها و الفاظی که آنها را می‌رساند مورد بحث قرار می‌دهد. همچنین در علم شناخت به قواعدی گفته می‌شود که یک مجموعه بازنمایی‌های مربوط به هم را تفسیر می‌کنند.

نشانه شناسی، بحث دلالتها
semiotics

مطالعه دلالتها، مطالعه علامتها و دلالتهای زبانی، چهره‌ای، صوتی، نوری، هنری، دود، اشارات، و امثال آنها.

دریافت کننده حسی
sense receptors

اندام حسی که محرکها و اطلاعات را مستقیماً از محیط دریافت می‌کنند.

حس کردن
sensing

مرحله آغازین دریافت محرک و اطلاعات از محیط که توسط اندام حسی صورت می‌گیرد. حس کردن قبل از ادراک است و بیشتر جنبه فیزیکی دارد تا معنایی و شناختی.

دوره حسی - حرکتی
sensorimotor period

اولین دوره در رشد شناختی کودک از نظر پیاژه (Piaget) که حدود سنی تولد تا دو سالگی را در بر می‌گیرد. در این دوره کودک در دنیای کاملاً حسی - حرکتی زندگی می‌کند و فرایندهای شناختی او روی تعاملهای حسی و حرکتی که با بدن خود یا با اشیاء و افراد دیگر دارد متمرکز است.

حافظه حسی
sensory memory

خزانه حسی، اسم دیگری برای ثبت کننده حسی. (نک: sensory registers)

وجه مختلف حسی
sensory modalities

حواس پنجگانه

ثبت کننده‌های حسی، حافظه حسی
sensory registers

نخستین محل ثبت و اندوزش داده‌های حسی. درون‌دادهای بی‌شمار حسی که در هر لحظه از مجاری حواس مختلف شخص وارد می‌شود و برای کسری از ثانیه در حافظه حسی مربوط به آن حس می‌ماند. اگر این داده‌ها مورد توجه قرار گیرند به مراحل بعدی پردازش راه می‌یابند وگرنه بدون آن که اثر یا ردی از خود بگذارند محو می‌شوند.

خزانه حسی، انبار حسی
sensory store

حافظه حسی، اسم دیگری برای ثبت کننده حسی است. (نک: sensory registers)

پردازش جمله
sentence processing

فرایند پی بردن به معنا یک جمله بر پایه معنا اجزای آن و با توجه به زمینه آن توسط انسان یا ماشین.

یادآوری متوالی، یادآوری زنجیره‌ای
serial recall

نوعی یادآوری آزاد (نک: free recall) که در آن فرد باید مواد حفظ شده را به همان نظم و ترتیبی که واقع یا ارائه شده است به یاد بیاورد.

جستجوی جامع متوالی
serial exhaustive search

روش‌ی در پاسخ به یک سؤال حفظی یا در حل یک مسئله که ضمن آن فرد کلیه پاسخهای ممکن را به ترتیب می‌جوید و می‌کاود تا پاسخ یا راه حل درست را بیابد.

اثر موقعیت زنجیره‌ای
serial position effect

بهرتر به خاطر آوردن گویه‌هایی که در اوایل یا اواخر فهرست گویه‌های حفظی قرار دارد نسبت به گویه‌های اواسط فهرست
(نک: primacy effect و recency effect)

serial position effect curve

منحنی موقعیت

زنجیره‌ای

منحنی نمایش اثر موقعیت زنجیره‌ای (نک: serial position effect). محور عمودی این منحنی احتمال یادآوری صحیح مواد و محور افقی آن رتبه مواد را در زنجیره‌ای که یاد گرفته شده نشان می‌دهد. منحنی معمولاً به شکل U در می‌آید یعنی احتمال یادآوری برای موادی که در اوایل یا اواخر فهرست حفظی بوده است بیشتر از مواد وسط فهرست است.

serial processing

پردازش متوالی، پردازش زنجیره

ای

پردازشی که در آن نتیجه‌ای از گام قبلی گرفته شده، گام بعدی اجرا می‌شود. در مقابل پردازش موازی (نک: parallel processing) که اجازه می‌دهد چند عملیات به طور همزمان و به صورت موازی اجرا شود.

serial search

جستجوی متوالی

نوعی جستجوی حافظه که در آن اطلاعات قطعه قطعه پشت سر هم بازیابی می‌شود. جستجوی متوالی به صورت تابع خطی نشان داده می‌شود، یعنی اگر منحنی زمان بازیافت را در برابر تعداد گویه‌های بازیافتی ترسیم کنیم نمودار آن ثابت است و معادل زمانی است که برای بازیابی یک قطعه اطلاعات ضروری است.

serialism

توالی گرایی، زنجیره گرایی

این اصطلاح را پسک (Pask) برای اشاره به سبک شناختی (نک: cognitive styles) افرادی به کار برده است که اطلاعات را به صورت رشته‌ای از مواد یاد گرفته، به خاطر می‌سپارند و در مقابل سبک شناختی کل گرا (holism) قرار دارد. افراد کل گرا اطلاعات را به صورت یک کل می‌اندوزند و بازیابی می‌کنند.

set

آمایه، تثبیت،

مجموعه

معنای اصطلاحی تثبیت اشاره به مواردی دارد که دستگامی (اعم از انسان یا ماشین) به همان شکلی که آخرین بار تنظیم شده است عمل خود را ادامه می‌دهد و با این تمایل و پیش آمادگی در موقعیتهای جدید عمل می‌کند، اگر چه شیوه عمل قبلی مناسب نباشد و شرایط موقعیتهای یا محرکهای جدید عمل یا پاسخ دیگری را اقتضا کند. این عدم تناسب وجود دارد تا وقتی که دستگام مورد تنظیم و تثبیت مجدد (reset) قرار گیرد. (نیز نک: set effect و mental set). این واژه معنای متفاوتی نیز دارد و آن آمایه یا مجموعه است.

set effect

اثر تثبیت

انتقال یادگیری تجارب قبلی به موقعیت جدید. به طور خاص این مفهوم در مورد حل مسئله به کار می‌رود و به معنای تمایل فرد به حل مسایل مختلف از راه واحد است. در حل مسئله کنونی، تجاربی که در حل مسایل قبلی کسب شده است می‌تواند به حل مسئله جدید کمک کند یا آن را به تأخیر بیندازد.

set-theoric model (set-theoretical model)

الگوی مبتنی بر نظریه مجموعه

ها

در معنای خاص، نظریه‌ای در مورد حافظه معنایی یا دراز مدت است که می‌گوید گویه‌ها در این حافظه به صورت مجموعه‌ها حفظ می‌شوند. هر مجموعه شامل اعضای است که ویژگیهای مشترک دارند و کل این ساختمان از قوانین مجموعه‌ها تبعیت می‌کند.

shadowing

تکرار شنیده‌ها، دنبال کردن

روش‌هایی که چری (Cherry) در دهه ۱۹۵۰ برای آزمایش در زمینه ادراک دو پیام صوتی همزمان به کار برد. در این روش آزمودنی پیام صوتی وارده به یک گوش خود را مکرراً تکرار می‌کند در حالی که پیام صوتی دومی برای گوش دیگر او از طریق گوشی پخش می‌گردد. نتایج آزمایشهای چری این بود که در هر لحظه فقط یک پیام صوتی مورد توجه قرار می‌گیرد و بقیه پیامها اصلاً ادراک نمی‌شوند. هر قدر تفاوت‌های فیزیکی دو صوت کم می‌شود تمیز بین آنها و انتخاب از میان آنها نیز مشکلتر می‌گردد اگر چه دو پیام معنایی متفاوتی از هم داشته باشند.

shallow processing

پردازش سطحی، پردازش

کم عمق

پردازش اطلاعات بدون پرداختن به معنا یا مربوط ساختن آن به معلومات دیگر.

shape

شکل، شکل

دادن

short-term memory (STM)

حافظه کوتاه مدت

سیستمی در حافظه که گویه‌های محدودی برای مدت کوتاهی در آن ذخیره می‌شود تا فرایندهای پردازشی بیشتری روی آنها اجرا شود و بتواند به حافظه دراز مدت منتقل گردد. آزمایش‌های میلر (Miller) نشان داد که ظرفیت حافظه کوتاه مدت حدود هفت واحد اطلاعات است. در نظریه کیس (Case) حافظه کوتاه مدت "فضای اندوزش" (storage space) نیز نامیده می‌شود و عبارت است از بخش یا مرحله اول از حافظه کاری (نک: working memory) که بخش دوم آن فضای عملیات (نک: operating space) است. اولی اطلاعات دریافتی را برای مدت کوتاهی حفظ می‌کند تا دومی آنها را پردازش کند.

SHRDLU

شردلو

برنامه هوش مصنوعی که به منظور واریسی برخی جنبه‌های بازنمایی معلومات که اساس ارتباطات کلامی طبیعی است طراحی شد. این برنامه در سال ۱۹۷۰ توسط وینوگراد (Winograd) در مؤسسه تکنولوژی ماساچوست (MIT) ابداع شد و گامی بود در انتقال از ماشین‌های عمومی مثل "مسئله گشای عمومی" به سامانه‌های خبره و متخصص در زمینه‌های محدود.

signal

علامت، محرک

منظور

در معنای خاص به محرک اصلی دیداری یا شنیداری گفته می‌شود که در میان محرک‌های زمینه‌ای یا فرعی (noise) احاطه شده است.

signal detection task

تکلیف علامت یابی، تکلیف ردیابی

علامت

آزمایشی در سنجش توجه و دقت بازنمایی که در آن محرک دیداری یا شنیداری خاصی به عنوان علامت (signal) به فرد معرفی می‌شود. سپس به طور متناوب مجموعه محرک‌هایی به او ارائه می‌گردد. تکلیف آزمودنی این است که هر بار آن علامت یا محرک مورد نظر را یافت بگوید "بلی".

signal detection theory (SDT)

نظریه علامت یابی یا ردیابی علامت

نظریه‌ای که می‌گوید فرد در هر مواجهه با محیط با محرک‌های فیزیکی زیادی مواجه می‌شود. هر محرکی را که دریافت می‌کند به طور لحظه‌ای مورد تحلیل قرار می‌دهد و در مورد آن تصمیم می‌گیرد. اگر آن محرک، محرک منظور (نک: signal) بود به آن توجه نشان می‌دهد و اگر محرک فرعی یا زمینه‌ای (نک: noise) بود آن را طرد می‌کند. آزمایش‌های علامت یابی (نک: signal detection task) بر مبنای این نظریه نشان داده است که حساسیت فرد به یک علامت نه تنها به شدت آن علامت بلکه به مقدار محرک‌های فرعی و همچنین به انگیزش آزمودنی و ملاکی که او برای پاسخ دادن قرار داده است بستگی دارد. نتایج این آزمایش‌ها در قالب فرمول‌ها و منحی‌های ریاضی نیز ارائه شده است.

simulation

شبیه‌سازی

situated action

کنش

مستحکم

کنشی که ناشی از تثبیت و استقرار در دنیای فیزیکی یا اجتماعی است.

size constancy

ثبات اندازه

ثبات اندازه جسمی که دور یا نزدیک می‌شود در نظر بیننده. (نیز نک: perceptual constancy)

skill acquisition

اكتساب

مهارت

این مفهوم در معنای خاص آن به فرایند اکتساب تخصص گفته می‌شود که توسط اندرسون (Anderson) در دهه ۱۹۸۰ مورد تحقیق قرار گرفت، و اصول مربوط به آن بخش مهمی از الگوی ACT* او را تشکیل داد.

slip of action

کار سهوی، خطای

سهوی

انجام عمل بیجا یا خطا بدون قصد و توجه. این پدیده و عواقب آن در مطالعات مربوط به توجه (نک: attention) و نیز در مکتب روانکاوی مورد کاوش قرار گرفته است. (نیز نک: parapraxis و slip of the tongue)

slip of the tongue

لغزش زبان

خطای سهوی در گفتار، مطالعه بعضی از انواع لغزش زبان مثل اسپونریسم (نک: spoonerism) و خطای تعویض تکواژها (نک: morpheme exchange error) اطلاعاتی در باره چگونگی فرایندهای روانی که در تولید گفتار صحیح نقش دارند به ما می‌دهد.

(نیز نک: parapraxis و slip of action)

SOAR (state, operator and result)

سوار

سامانه هوش مصنوعی، یا به عبارت دقیقتر، سامانه تولید (نک: production system) که توسط نیول (Newell) و همکارانش در سال ۱۹۸۷ به عنوان نظریه وحدت بخش در تبیین اساس معماری شناختی انسان و رایانه ارائه شد. همچون سایر سامانه‌های تولید، سوار شامل حافظه کاری (کوتاه مدت) و حافظه دراز مدت است که بر

اساس قوانین شرطی عمل می‌کند. محققان بیشتر روی الگوی رایانه‌ای این سامانه کار کرده‌اند و کمتر به آزمایش آن در روانشناسی شناختی پرداخته‌اند. الگوی رایانه‌ای سوار قادر به چند نوع یادگیری خاص نیز هست.

social cognition

شناخت

اجتماعی

کاربرد فرایندهای شناختی در پردازش اطلاعات اجتماعی، تعامل با دیگران و تصمیم‌گیریهای اجتماعی.

social epistemology

معرفت‌شناسی

اجتماعی

مطالعه اقدامات اجتماعی که موجب ترغیب یا منع رشد دانش می‌شود.

social learning

یادگیری اجتماعی

یادگیری از طریق الگو قرار دادن دیگران و تقلید از آنها. بندورا (Bandura) طی آزمایش‌هایش نقش گسترده و مهم این نوع یادگیری را که یادگیری مشاهده‌ای (observational learning) نیز نامیده می‌شود در رشد فردی و زندگی اجتماعی نشان داد.

society of mind

جامعه ذهن

رویکردی به شناخت که مبتنی بر این نظر است که پردازش شناختی متضمن جامعه‌ای (تعداد زیادی) از فرایندها یا فاعلها است که غالباً شکل سلسله مراتب دارند. هر فرایندی وظیفه‌ای خاص را بر عهده دارد، و فرایندهای مختلف ممکن است نتایج عملیات خود را مبادله کنند. بنابر این دیدگاه که مینسکی (Minsky) آن را ارائه کرده است ذهن انسان جامعه‌ای از فاعلها یا عوامل شناختی ساده تلقی می‌شود، لیکن هیچ عاملی به تنهایی یک ذهن یا همونکولوس (نک: homunculus) نیست، زیرا در غیر این صورت دور پیش می‌آید.

software

نرم‌افزار

somatic marker

ممیزهای بدنی

علائم مغزی متناظر با حالات بدنی مربوط به هیجانها

source amnesia

بیماری فراموشی

منبع

نوعی از بیماری فراموشی (نک: amnesia) که در آن شخص اطلاعات را به یاد می‌آورد، ولی در به خاطر آوردن این که کجا، چه وقت یا چگونه اطلاعات را کسب کرده است ناتوان است. چنین شخصی ممکن است در تمیز واقعیت از تخیلات خود نیز مشکل داشته باشد (نک: reality monitoring).

source analogy

تمثیل منبع

مجموعه اشیاء، صفات و روابطی که نتایجی را درباره تمثیل هدف پیشنهاد می‌کند.

source code

رمز منبع

عناصر هر برنامه کامپیوتری به زبان سطح بالا (نک: high-level language) که برای اجرای آن توسط کامپیوتر باید ابتدا به زبان ماشین (نک: machine language) ترجمه شود، (نیز نک: object code).

source memory

حافظه منبع

توانایی فرد در به خاطر سپردن و بازیابی منبع و منشأ اطلاعاتی که در ذهن دارد.

spatial ability

توانایی

فضایی

توانایی عملیات شناختی، روی اطلاعات فضایی از قبیل ادراک، حافظه، دایره، تفکر و حل مسئله (نک: spatial information).

spatial information

اطلاعات فضایی، اطلاعات مکانی

اطلاعاتی که در باره مکان اشیا نسبت به هم و وضعیت قرار گرفتن آنها نسبت به خودشان و نسبت به ناظر است.

spatial neglect

غفلت فضایی

نوعی اختلال در یک یا چند حس که در آن فرد نمی‌تواند به ناحیه خاصی از فضا آگاهی یابد. مانند افرادی که نمی‌توانند از نیمه چپ بدن خود مطلع باشند یا نسبت به اشیا دور آگاهی پیدا کنند.

specificity ,encoding

اختصاصی بودن

رمزگذاری

(نک: encoding specificity)

speech

گفتار، تکلم

speech act

کنش

گفتاری،

قواعد گفتار

انواع منظورهایی که فرد می‌تواند از به زبان آوردن عبارات خود داشته باشد. چند نوع عمده از کنشهای گفتار عبارت است از تعهدی (نک: commissive)، اخباری (نک: declarative)، امری (نک: directive) و بیانی (نک: expressive).

speech perception

ادراک گفتار

speech production

تولید گفتار

فرایند ذهنی انتخاب و ترکیب کلمات و عبارات و به رشته در آوردن کلام.

speech synthesizer

دستگاه گفتار ساز

رایانه یا هر دستگاه الکترونیکی و مکانیکی که از ترکیب صداها گفتار مصنوعی (نک: synthetic speech) تولید می‌کند.

speed-accuracy tradeoff

معادله سرعت و

صحت

نسبت معکوسی که سرعت عمل و صحت عمل در فعالیتهای شناختی دارند. در معنای اخص در تکالیف شناختی که سرعت و صحت هر دو اهمیت دارند نسبت ترجیح سرعت بر صحت تعیین می‌شود.

spelling

هجی کردن،

املا

دانستن دیکته کلمات، یادگیری نوشتن و املاي درست کلمات، یکی از موضوعاتی است که به خصوص توسط عصب روانشناسان شناختی مورد مطالعه قرار گرفته است.

spike train

زنجیره شلیک

الگوی شلیک يك سلول عصبی که زنجیره‌ای از رویداد شلیک را در بر دارد.

split-brain

دو پاره مخ، قطع ارتباط نیمکره های

مغز

(نک: commissurotomy)

spontaneous generalization

تعمیم خود به خود

شبکه‌های پیوندگرایی را می‌توان طراحی کرد که اطلاعات را براساس نشانه‌هایی که برای تطبیق با حافظه خاص خیلی مبهم هستند بازیابی کنند و تصویری تعمیم یافته از مشترکات حافظه‌هایی که با نشانه‌ها تطبیق می‌کنند ارائه دهند.

spoonerism

اسپونریسم، جابه جایی بخش اول کلمات

یکی از خطاهای گفتاری در زبان که ضمن آن گوینده يك یا دو حرف اول مربوط به چند کلمه را با هم تعویض می‌کند. به طوری که در عین جابه جایی حروف کلمات صحیحی حاصل می‌شود لیکن کل عبارت معنای نامأنوسی پیدا می‌کند. مثل اینکه در زبان فارسی گفته شود "به او نمی‌توان گازی را رفت" که در اصل چنین بوده است: "به او نمی‌توان رازی را گفت". اسپونر (Spooner) نام یکی از رؤسای دانشگاه آکسفورد در قرن نوزدهم بود که نمونه‌های متعدد و جالبی از این خطای گفتاری از او سرزده است. از جمله هنگام بازدید ملکه انگلستان از دانشگاه، اسپونر در معرفی او گفت our queer old dean به جای این که بگوید our dear old queen (نیز نک: slip of the tongue)

spreading activation

فعالیت گسترش

یابنده

در شبکه‌های معنایی (نک: semantic networks) که برای اطلاعات در حافظه دراز مدت فرض می‌شود، وقتی ناحیه خاصی (مثلاً يك سلول یا واحد عصبی) فعال می‌شود این تحریک به سایر نواحی پیوسته به آن نیز سرایت کرده آنها بسته به شدت پیوندی (link) که با ناحیه اولی (source node) دارند کم و بیش تحریک می‌شوند. این تحریک ضمن انتقال دچار افت می‌شود. به دلیل همین گسترش فعالیت است که وقتی شخص کلمه‌ای را می‌شنود یا می‌خواند بسیاری مفاهیم گوناگون دیگر نیز که با آن به‌نوعی مربوطند در ذهن او زنده شده، به یادش می‌آید. (نیز نک: fan effect)

spreading activation model

الگوی فعالیت گسترش یابنده

الگوی رایانه‌ای شبکه‌ای که توسط کالینز (Collins) و کویلیان (Quillian) بر اساس اصل فعالیت گسترش یابنده (نک: spreading activation) برای حافظه معنایی طراحی شد.

S-R psychology

روانشناسی محرک -

پاسخ

عنوان اختصاری برای روانشناسی محرک و پاسخ (نک: stimulus-response psychology)

Stanford-Binet Scale

آزمون هوشی که ابتدا در سال ۱۹۱۱ به وسیله بینه (Binet) به عنوان نخستین آزمون هوش ساخته شد و سپس ترمن (Terman) و همکارانش در دانشگاه استنفورد در سال ۱۹۱۶ و سالهای بعد این آزمون را برای سنجش هوش کودکان آمریکایی استاندارد کردند. این آزمون مورد تجدید نظرهای متعدد قرار گرفته و از جمله نسخه‌ای از آن برای سنجش هوش بزرگسالان نیز تهیه شده است.

state-dependent memory

حافظه وابسته به حالت اشاره به این یافته روان‌شناسان است که اگر همان حالت روانی (مثلاً "خوشحالی یا افسردگی") که قبلاً شخص هنگام کسب و به یاد سپاری اطلاعات داشته است برایش تکرار شود بهتر می‌تواند مطالب را به یاد آورد.

statistical inference

stereopsis

stereotype

باورهایی که در یک فرهنگ یا خرده فرهنگ در باره خصایص روانی-اجتماعی یک نژاد، ملیت، طبقه یا گروه اجتماعی وجود دارد و به همه افراد آن تعمیم داده می‌شود. در معنای خاص به برجسبهای روانی ناروا گفته می‌شود که مردم بدون توجه به ریشه غیرواقعی آنها به همه اهالی یک شهر یا کشور، یا همه اعضای یک اقلیت نژادی یا مذهبی می‌زنند. فرایندهای شناختی گوناگونی در تشکیل، حفظ و تغییر یک تصور قالبی دخالت دارند. همچنین هر تصور قالبی نوعی طرحواره (نک: schema) است که در رفتار و شناخت اجتماعی (نک: social cognition) نقش مهمی دارد.

stimulus-response psychology

نظریات و رویکردهایی در روان‌شناسی که اساس رفتار ظاهری و ذهنی انسان را پیوند بین محرکها و پاسخها می‌دانند. یک نمونه مشهور از این رویکرد مکتب رفتار گرایي است.

storage space

strategy, cognitive

stress

فشار روانی ناشی از عوامل جسمی، روانی، طبیعی یا اجتماعی. گاهی نیز این اصطلاح به همان عواملی اطلاق می‌شود که فشار را باعث می‌شوند.

strong AI

اشاره به این مدعا که در صورت وجود شرایط و برنامه مناسب، رایانه می‌تواند ذهن داشته باشد یعنی به طور غیر استعاری از شناخت برخوردار شود. (نک: weak AI)

strong equivalence

همارزی قوی شرایط قوی‌تری را برای اعتبار سنجی الگو در مقایسه با همارزی ضعیف مطالبه می‌کند. در تولید نظریه علوم شناختی مهم است که نظریه‌ها همارز واقعی انسانها باشند و این نیاز به شواهدی دارد که اثبات کند آنچه در شبیه‌سازی رخ می‌دهد مشابه روشهایی است که آزمودنیهای انسان برای حل مسئله به کار می‌برند.

Stroop effect

این پدیده ادراکی ضمن آزمایشهایی که استروپ در سال ۱۹۳۵ روی فرایندهای کلامی انجام می‌داد کشف شد. آزمایشها نشان داد که اگر نام هر رنگ (سبز، آبی، قرمز) با جوهری به رنگ دیگر نوشته شود آزمودنیها در پاسخ به اینکه نوشته به چه رنگی است، کمی مشکلتر و کندتر عمل می‌کنند تا وقتی که نام هر رنگ با همان رنگ یا به رنگ سیاه و سفید نوشته شود.

structuralism

نخستین مکتب رسمی در روان‌شناسی علمی که توسط وونت (Wundt) تأسیس شد و مطالعه ساختمان ذهنی انسان را هدف قرار داد. ساختارگرایی هشیاری (یا ذهن) انسان را دارای اجزا و عناصر روانی یا ساختارهای ذهنی فرض می‌کرد که تجزیه و تحلیل آنها هدف روان‌شناسی به‌شمار می‌رفت. در سایر علوم از جمله جامعه‌شناسی و زیست‌شناسی نیز با مکتب یا رویکردی به اسم ساختارگرایی روبرو می‌شویم. لذا

آزمون استنفورد بینه

حافظه وابسته به

حالت

استنباط آماری

دید سه بعدی

تصور قالبی

روان‌شناسی محرک و

پاسخ

فضای اندوزش، فضای ذخیره

سازی

(نک: short-term memory)

راهبرد شناختی

(نک: cognitive strategies)

فشار روانی، استرس

هوش مصنوعی

توانمند

همارزی قوی

اثر استروپ

ساختارگرایی

باید به زمینه کاربرد این اصطلاح توجه داشت.

structure

ساختار

STUDENT

استیودنت

برنامه هوش مصنوعی که به آن مسایل داستانی جبر داده می‌شود و این برنامه معادلات لازم را برای حل آنها تنظیم کرده و مسئله را حل می‌کند. با تکرار این فرایند، عملکرد سامانه به سطح یک دانش آموز دبیرستانی ارتقا می‌یافت.

study skills

مهارت‌های

مطالعه

روش‌های عمومی یا خصوصی که افراد برای یادگیری یا مطالعه کسب یا ابداع می‌کنند.

style, learning

سبک یادگیری

(نک: learning styles).

subconscious

خرد هشیار

این اصطلاح به طور مترادف با نیمه هشیار (نک: preconscious) به کار می‌رود. در معنای خاص این صفت به محرک‌های خارجی یا اطلاعات و صور ذهنی داده می‌شود که وارد دستگاه شناختی فرد می‌شوند یا از قبل در آن بوده‌اند ولی در زمان حاضر در معرض توجه و هشیاری فرد قرار ندارند و یا به صورت مبهم یا غیرفعال در هشیاری او قرار دارند.

subitizing

برداشت

فوری

ادراک و دریافت مستقیم تعداد نقاط در یک تصویر بی سازمان بدون شمارش آنها. فرد عادی حداکثر ۷ تا ۸ نقطه را در می‌یابد.

subjective

ذهنی،

فاعلی

هر مفهوم، پدیده یا روشی که برای فرد یا گروه خاصی از انسانها معنا و اعتبار دارد و برای عموم قابل معرفی و شناسایی نیست، در مقابل عینی. (نک: objective)

sublexical procedure

روش پیش واژگانی، رویه زیر

واژگانی

پردازش الفاظ بدون توجه به معنا، در معنای خاص به روشی گفته می‌شود که بسیاری از افراد برای به خاطر سپاری املاي کلمات ناآشنا به کار می‌برند. در این روش فرد ترکیب صوتی یک واژه را به هجاها و صداهای جزئی‌تر تجزیه می‌کند و بر اساس معلومات خود در باره تناظر هجاها با صداهای یک ترکیب جدید می‌سازد. این روش وقتی با اشکال روبرو می‌شود که تناظر هجاها با صداهای از قاعده معمول پیروی نکند. همچنین در نوعی از بیماری نوشتار پریشی (نک: dysgraphia) فرد به دلیل ناتوانی در کاربرد این روش نمی‌تواند املاي کلمات ناآشنا را یاد بگیرد. (نیز lexical procedure)

subliminal perception

ادراک زیر آستانه‌ای

ادراک محرک‌هایی که شدت آنها زیر آستانه است یا فقط برای لحظه کوتاهی در معرض حواس فرد قرار می‌گیرد. این ادراکها تا حدی متفاوت از ادراک معمولی است و از برخی خواص و تأثیرات آن در آگهی‌های تجارتي استفاده شده است.

subroutine

برنامه فرعی

برنامه نسبتاً کوچکی که در حافظه ذخیره می‌شود تا وقتی در ضمن کار با یک برنامه بزرگتر به آن احتیاج پیدا شد با یک دستورالعمل ساده (مثلاً فشار یک دکمه) اجرا گردد.

subtraction method

روش تفاضلی

روشی برای تعیین و سنجش مدت دوام هر یک از فرایندهایی که در یک فعالیت شناختی روی می‌دهد. در این روش که ابتدا در سال ۱۸۶۸ توسط داندرز (Donders) پیشنهاد شد، تفاوت زمانهای لازم برای دو نمونه از یک فعالیت شناختی اندازه گیری می‌شود که یکی از آن دو نمونه نیازمند فرایند (الف) می‌باشد و دیگر بدون فرایند (الف) صورت می‌پذیرد. در نتیجه، تفاوت حاصله مدت زمان لازم برای انجام فرایند (الف) را نشان می‌دهد.

subvocal speech

گفتار ناملفوظ، گفتار زیر صوتی، زمزمه

با صدای ضعیف یا بدون صدا با خود حرف‌زدن، در معنای اخص به کلام زیر لب گفته می‌شود که با جنبش ظریف اندامهای صوتی همراه است. گفتار زیر صوتی در هنگام تفکر یا مطالعه دیده می‌شود. (نیز نک: inner speech).

surface structure

رو ساخت

(نک: deep structure)

sustained attention

توجه پایدار

توجه پایدار، توانایی هدایت و تمرکز فعالیت شناختی بر محرک خاص است. برای تکمیل هر فعالیت برنامه‌ریزی شده‌شناختی در اقدام زنجیره‌ای یا فکری باید از توجه پایدار برخوردار بود.

symbolic architecture

معماری نمادی

معماری نمادی اشاره به دیدگاه کلاسیک معماری ذهن دارد. در این دیدگاه ذهن همچون فرایندی است که آن نمادها دستکاری می‌شوند. نمادها بین انبارهای حافظه دراز مدت و کوتاه مدت در حرکت‌اند و براساس مجموعه‌ای از قواعد صریح و به ترتیب خاص بر روی آنها عمل می‌شود.

survey

**بررسی،
پیمایش**

در معنای خاص به نوعی روش پژوهش یا جمع‌آوری اطلاعات گفته می‌شود که در آن برای بررسی و ارزیابی نگرشها، نظرات و علایق یک جامعه یا گروه از ابزارهای مثل پرسشنامه و مصاحبه استفاده می‌شود.

syllism

قیاس

استدلالی که با تکیه بر دو گزاره (مقدمه) به گزاره دیگری (نتیجه) می‌رسد. اشکال مختلف قیاس منطقی ابتدا توسط ارسطو معرفی شد.

syllables

هجاها

سیلابها در تلفظ کلمات.

syllogistic reasoning

استدلال

قیاسی

(نک: syllogism)

symbol

نماد

نماد در معنای عام یعنی هر چیزی که چیز دیگری را بازنمایی کند. اما در نظریه پیرس (Peirce) نمادها یکی از سه نوع عمده بازنمایی هستند (نیز نک: icon و index) که با شیء اصلی رابطه قراردادی دارند.

symbol grounding problem

مسئله پایه

نمادها

مشکل تضمین معنا برای نمادها، مشکل این است که شرط لازم برای اینکه یک نظام نمادی دارای معنا باشد این است که لاف‌چند نماد، معنایی غیر از معنای نمادی و سوازی رابطه‌شان با سایر نمادها داشته باشند والا مجموعه نمادهای آن نظام کلاً فاقد معنا خواهد بود.

symbolic

نمادی

symbolic AI

هوش مصنوعی

نمادی

رویکردی در هوش مصنوعی که بر اهمیت قوانین دخل و تصرف در نمادهای متنوع تأکید می‌ورزد. این رویکرد سرچشمه هوش آدمی را دخل و تصرف در نمادها توسط مغز می‌داند و از این لحاظ در نقطه مقابل دیدگاه پیوندگرا (نک: connectionism) قرار می‌گیرد.

synapse

پیوندگاه، سیناپس

محل به هم رسیدن دو سلول عصبی و انتقال علامت از یک سلول به سلول دیگر.

syntactic theory of the mind (STM)

نظریه نحوی درباره

ذهن

هر نظریه‌ای که معتقد باشد ذهنیت آدمی چیزی جز عملیات ذهنی روی نمادها نیست و معنا و مرجع آن نمادها و پیوند آنها با جهان واقعی نقش اصلی ندارند. بر طبق این دیدگاه، ذهن چیزی شبیه ماشین حسابگر است و شناخت طبیعتاً با محتوای ذهنی سرو کار ندارد. به نظر استیچ (Stich) علم شناخت برای رسیدن به اهداف تبیینی خود می‌تواند ذهن را به عنوان دستگاه صرفاً "نحوی تلقی کند.

syntactical theory of the mind (STM)

نظریه نحوی درباره

ذهن

(نک: syntactic theory of the mind)

syntactic rules

قواعد نحوی

(نک: syntax)

syntax

نحو، ساختار زبان

قواعدی که بر ترکیب کلمات در تشکیل جملات و ترکیبات کلمه‌ای حاکم است. نیز عنوان شاخه‌ای از زبان شناسی است که به کشف و مطالعه قواعد مذکور می‌پردازد. در معنای عامی که برای این اصطلاح هست به جای کلمات و جملات از هرگونه نماد و ترکیب نمادی صحبت می‌شود. معنای اخیر در علم شناخت رایانه‌ای نیز به کار می‌رود.

synthetic a priori knowledge

معرفت اولیه - ثانویه، معلومات

پیشینی - ترکیبی

معلوماتی که هم ثانویه و ترکیبی است (یعنی اطلاعاتی درباره تجارب به ما می‌دهد) و هم اولیه است (یعنی مستقل از تجربه به آن آگاهی داریم). بعضی از خردگرایان مانند کانت معتقدند بشر دارای چنین معلوماتی نیز هست.

synthetic proposition

قضیه ترکیبی

(analytic proposition : نك)

synthetic speech

گفتار مصنوعی، گفتار ماشینی

گفتاری که توسط رایانه یا دستگاه‌های الکترونیکی و مکانیکی از ترکیب صداها ساخته شود. گفتار مصنوعی به دلیل قابل کنترل و اندازه گیری بودنش در آزمایش‌های گوناگونی به جای گفتار انسانی استفاده می‌شود.

system

نظام، دستگاه، سامانه

systematic distortion

تحریف منظم

تغییرات منظمی که در خاطره شخص از يك محرك یا رویداد گذشته صورت می‌گیرد. انگیزه این تحریف که لزوماً آگاهانه نیست براساس روان‌شناسی گشتالت (نك: gestalt psychology) پرکردن نقص‌های تصویر يك خاطره یا جاهای خالی در اطلاعات است و براساس روان‌کاوی (نك: psychoanalysis) نوعی سازوکار دفاعی (نك: defense mechanism) است. از دیدگاه شناختی علت تحریف منظم فرایندهای سازنده‌ای است که مطالب را در حافظه دراز مدت حک و اصلاح می‌کنند. (نك: constructive theories of memory)

systemic grammar

دستور سازمند، دستور فراگیر

رویکردی که زبان و دستور زبان را در بستر اجتماعی ارتباطات بین افراد مطرح می‌کند، و آنها را به عنوان نظام منتزع از قواعدی که فرضاً توسط يك متکلم واحد درونی شده است نمی‌نگرد. در این رویکرد بر نقش‌های اجتماعی گوناگون زبان گفتاری و نوشتاری تأکید می‌شود.

ICSS

پژوهش‌گده علوم شناختی